



مظفر بقایای کرمانی (خام)

بقایای کرمانی، مظفر، سیاستمدار، وکیل مجلس و رهبر حزب زحمتکشان ملت ایران. در حدود ۱۳۹۰ در کرمان زاده شد. پدرش میرزا شهاب راوری کرمانی، از فعالان سیاسی دوره مشروطه و نماینده کرمان در مجلس چهارم بود (مکی، ج ۳، ص ۴۶۵). با آمدن میرزا شهاب به تهران، مظفر نیز به تهران آمد و مشغول تحصیل شد. در ۱۳۰۸ ش با سهمیه دولتی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و تحصیلات تکمیلی خود را در رشته فلسفه در دانشگاه سوربن به پایان رساند. پس از بازگشت به ایران و گذراندن دوره سربازی در کادرداری دانشکده افسری، بترتیب، به عنوان مترجم، متصدی ارزیابی در بیمه ایران، رئیس فرهنگ کرمان، وکیل، و نهایتاً مدرس دانشگاه تهران کار کرد (شهبازی، ص ۱۸). او در ۱۳۱۸ ش ازدواج کرد و هشت سال پس از آن با همسرش متارکه نمود و دیگر ازدواج نکرد. با رواج فعالیت احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰، بقایای راه پیشرفت خود را در فعالیتهای حزبی یافت؛ ازینرو بعد از عضویت و فعالیت در دو حزب اتحاد ملی و کار، وارد حزب دمکرات ایران به رهبری قوام السلطنه شد و توانست در آن حزب رشد کند، به طوری که در ۱۳۲۶ ش عضو هیئت سری تصفیه و دبیر حزب بود و به عنوان نامزد این حزب از کرمان به مجلس نازدهم راه یافت. بقایای از دوستان علی زهری و عیسی سپهبدی از کارمندان سفارت فرانسه، و حسن پاکروان (سرلشکر و رئیس بعدی ساواک) و مادر فرانسویش امینه پاکروان بود. او با کمک اینان و حمایت سیاسی رضا حکمت (سردار فاخر) روزنامه شاهد را در ۱۳۲۶ ش تأسیس کرد و با بیان نظریات سیاسی خود در آن جریده، بر شهرت خود افزود (گذشته چراغ راه آیند است، ص ۵۹۱) در دوران نمایندگی مجلس، تا اسفند ۱۳۲۷، در جناح اکثریت بود و حتی از امضای ماده واحده ای دایر بر الغای قرارداد نفت جنوب خودداری کرد؛ اما پس از مدتی، به اقلیت مجلس پیوست و به استیضاح دولت ساعد پرداخت و با قرارداد گس - گلشائیان مخالفت نمود (مدنی، ج ۱، ص ۱۷۷). وی در اعتراض به تقلبهای صورت گرفته در انتخابات مجلس شانزدهم، به همراه عده ای که سرشناسترین آنها دکتر مجد مصدق بود، در دربار متحصن شد. هسته اولیه جبهه ملی ایران • در تحصن شکل گرفت که بقایای از بنیانگذاران آن

بود و بعدها دبیر کل آن شد (همان، ج ۱، ص ۱۷۹). او برای جلوگیری از تقلب در انتخابات، سازمان نظارت بر آزادی انتخابات را تشکیل داد. این سازمان بعد از انتخابات با عنوان سازمان نگهدارنده آزادی، که از جمله گروههای تشکیل دهنده جبهه ملی ایران بود، به فعالیت خود ادامه داد (نجاتی، ۱۳۶۴ ش، ص ۸۶). بقایای با مخالفتهای سرسختانه با سپهبد رزم آرا و تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت ایران و همچنین فعالیت مؤثر در ماجرای خانه سدان در تیر ۱۳۳۰ ش (رائین، ص ۷۲-۶۱)، خود را به عنوان یکی از چهره های سیاسی کشور مطرح کرد. در همین دوران، او با خلیل ملکی به همکاری نزدیک پرداخت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به سازمان نگهدارنده آزادی پیوست و در اردیبهشت ۱۳۳۰ ش آن دو (بقایای و ملکی) حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کردند (نجاتی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۵۷). این حزب پس از مدتی توانست در روشنفکران و کارگران نفوذ کند. هدف اصلی این حزب مقابله با نفوذ حزب توده • بود، و مقابله این دو حزب حوادث خشونت آمیزی به بار آورد که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف کرد (رجوع کنید به گازیوروسکی، ص ۱۰۷، ۱۲۷). از اوایل ۱۳۳۱ ش، بقایای بتدریج با دولت مصدق به مخالفت پرداخت (گذشته چراغ راه آینده است، ص ۶۵۲). در این زمان، در حزب زحمتکشان دو دیدگاه مبنی بر همکاری (با مصدق) (دیدگاه خلیل ملکی) و عدم همکاری (دیدگاه مظفر بقایای) به وجود آمد. این شکاف با حوادث سی ام تیر عمیقتر شد و پس از مدتی حزب زحمتکشان به دو گروه منشعب شد: حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری بقایای، حزب زحمتکشان ملت ایران (با عنوان نیروی سوم) به رهبری خلیل ملکی (نجاتی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۵۸). بقایای بر مخالفت خود با مصدق افزود و از (مجدرضا) شاه آشکارا حمایت کرد؛ به طوری که در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، نیروهای بقایای جزو کسانی بودند که به خانه مصدق حمله کردند. آنان در عملیات کودتا نقش فعال داشتند و مطبوعات پس از کودتا، بقایای را یکی از رهبران «قیام ملی» برای براندازی دولت مصدق معرفی کردند.

پس از کودتا، بقایای به علت ناکامی در تصدی سمت نخست وزیری، در مخالفت با زاهدی سخنانی گفت که باعث تبعید محترمانه وی به زاهدان شد (مجدآقا و صدیقی، ص ۷۷). در ۱۳۳۹ ش، بقایای با شاه ملاقات کرد و شاه به وی اجازه داد که در انتخابات شرکت کند، اما با باطل شدن انتخابات به علت تقلب، نتوانست به مجلس راه یابد. بقایای به علت انتشار اعلامیه ای برضد دولت دستگیر و محاکمه شد، ولی در همه محاکمات تبرئه گردید (مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۲۲، ص ۱۶۴). وی در ۱۳۴۲ ش، فعالیت سیاسی مختصری آغاز و از دولت انتقادهای ملایمی کرد. ساواک برای پراکنده کردن صفوف مبارزان، با فعالیتهای بقایای مخالفت نمی کرد.

فعالیت حزب زحمتکشان از ۱۳۵۰ ش، از سر گرفته شد، ولی این بار این حزب بیشتر به محفل دوستانه شبیه بود تا به سازمان سیاسی جدی. در دهه ۱۳۵۰ ش، بقایای با اعلام وفاداری به سلطنت و اصول قانون اساسی، از تشکیل حزب رستخیز انتقاد کرد (مجدآقا و صدیقی، ص ۸۲). همچنین در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، تظاهراتی ترتیب داد، ولی مورد توجه مبارزان مسلمان قرار نگرفت (نجاتی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۳۷۱). در ۲۰ تیر ۱۳۵۸ ش، بقایای به همراه عده ای از دوستانش، به اتهام توطئه برضد انقلاب اسلامی در کرمان دستگیر و مدتی بازداشت شد. در ۲ دی ۱۳۵۸ ش وی مطالبی روی نوار ضبط و تکثیر کرد که به وصیتنامه سیاسی او شهرت یافت. او در این نوار بازنشستگی سیاسی خود را اعلام داشت (مجدآقا و صدیقی، ص ۱۷۴-۹۰). اما عملاً به فعالیتهای سیاسی خود ادامه داد. تداوم فعالیتهای پنهانی بقایای، بویژه ارتباطش با عوامل خارجی، سبب دستگیری مجدد وی شد (کیهان، ش ۱۳۱۸۰، ص ۲). او پس از مدت کوتاهی، در ۲۷ آبان ۱۳۶۶ ش درگذشت.

منابع:

- (۱) اسماعیل رائین، اسنادخانه سدان، تهران ۱۳۵۸ ش؛
- (۲) سیف الرضا شهبازی، «مروری بر زندگی سیاسی مظفر بقایای»، کیهان، ش ۱۳۳۱۹، ۱۳ دی ۱۳۶۶؛
- (۳) کیهان، ش ۱۳۱۸۰، ۲۷ آبان ۱۳۶۶؛
- (۴) مارک ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنای دولتی دست نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران ۱۳۷۱ ش؛
- (۵) گذشته چراغ راه آینده است، ویراستار: بیژن نیک بین، تهران ۱۳۶۲ ش؛
- (۶) مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۲۲، تهران ۱۳۶۷ ش؛
- (۷) علی مجدآقا و مجد صدیقی، افول یک مبارز: نقدی بر وصیتنامه سیاسی، مواضع و خط مشی دکتر مظفر بقایای، (تهران) ۱۳۶۵ ش؛
- (۸) جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم ۱۳۶۱-۱۳۶۲ ش؛
- (۹) حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۴ ش؛
- (۱۰) غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران: از کودتا تا انقلاب، تهران ۱۳۷۱ ش؛
- (۱۱) همو، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران ۱۳۶۴ ش.

/ حسین آبادیان /